

توازن جوهره معماری اسلامی

سمیه امیدواری*

چکیده

معماری به عنوان یکی از جلوه‌های عالم تشریح و به عنوان ظرفی برای مظهر زندگی انسان، نقش بسیار مهمی در پرورش توانایی‌های انسان و از سویی ایجاد بستر مناسب در جهت دستیابی وی به تعادل و وصول او به کمال داشته است. معماری اسلامی به عنوان جلوه‌ای از عالم تشریح و حقیقتی برآمده از دستان هنرمند مسلمان، نقش موثری در جهت فراهم کردن بستر مناسب برای ایجاد تعادل در محیط را داشته است و لذا تعادل به عنوان جوهره معماری اسلامی در پاسخ به خواسته‌های نفس انسان تعریف می‌شود. بنابر قوانین موجود در عالم، اصل تعادل تمام وجوه ظاهر و باطن و یا تمام وجوه آشکار و پنهان هستی را فرا گرفته و به دلیل ارتباطات تنگاتنگی که بین نظامات مختلف عالم وجود دارد این نتیجه حاصل خواهد آمد که نه تنها تعادل؛ جوهره تکامل نفس و هستی بوده است بلکه تعادل به عنوان جوهره معماری اسلامی نیز مطرح می‌باشد. در این مقاله با بررسی تعادل به عنوان جوهره معماری اسلامی؛ به تعریف و تبیین و بررسی مراتب مختلف معماری اسلامی در تناظر با تعادل نفس می‌پردازد. در تناظر با تعادل نفس (تعادل جسمانی و روحانی) برای معماری چهار مرتبه از تعادل را قائل بوده است. لذا وصول به تعادل در هر یک از مراتب چهارگانه معماری (ایستایی، آسایشی، بصری و آرامشی) اصول و احکام خاص خود را طلب می‌کند که در این مقاله به تفصیل به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: معماری اسلامی، تعادل، مراتب تعادل.

رویکردهای تفسیر قرآن کریم در میان علمای کُرد در خلال قرن چهارده هجری

محمد ایزدی*

علی دحروج**، فاروق نعمتی***

چکیده

بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست، بر اینکه علمای کُرد بهترین کتابها و دانش‌ها را به کتابخانه اسلامی تقدیم کردند و در میان آنها، تعدادی بسیاری در زمینه پژوهش در قرآن کریم و تفسیر و علوم آن درخشیده و تفاسیر متعددی را تألیف نمودند. در این مقاله با شیوه تحلیلی - توصیفی، نقش علمای کُرد در حوزه تفسیر قرآن کریم و تلاش‌های تفسیری آنها در قرن چهاردهم هجری تا قرن بیستم میلادی شده و بارزترین رویکردهای تفسیری آنها مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین به طور ویژه، به کنکاش در آثار تفسیری این عالمان پرداخته و میزان اهتمام آنها به این دانش مبارک را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. پس از بررسی این تفاسیر، ملاحظه می‌شود که تنوع در آنها نمود بارزی دارد؛ برخی از آنها تفاسیر کامل و برخی تفسیر اجزائی از قرآن کریم است. همچنین بعضی از این تفاسیر، به صورت مفصل و برخی مختصر و موجز است. از سویی پاره‌ای از آنها چاپ شده و برخی هنوز مخطوط هستند. در پایان تلاش نموده‌ایم تا مهم‌ترین و بارزترین شیوه‌های تفسیری از مفسران کُرد را مورد تحلیل قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مفسران کُرد، شیوه‌های تفسیری، قرن چهاردهم هجری.

* دکترای دراسات اسلامی، دانشگاه امام اوزاعی، بیروت (نویسنده مسئول)

mohammadezadi51@gmail.com

** استاد گروه دراسات اسلامی، دانشگاه امام اوزاعی، بیروت

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، ایران

فهم متن براساس بافت غیرزبانی، شعر، و ضرب المثل، و حدیث نزد زمخشری «نمونه موردی: آل عمران»

مجید صالح بک*

کمال‌الدین مطهر**

چکیده

بررسی بافت غیر زبانی متن، از قدیم الایام هم وغم داشمندان وادیبان را در روند فهم متن به خود وا داشته است. می توان گفت که اهمیت و اعتبار آن به مانند پژوهش‌های زبانی قدمت تاریخی دارد، اما اهمیت و اعتبار بافت غیر زبانی، زمانی مهم جلوه می‌کند که متن، متن دینی مانند قرآن باشد. شاید به این سبب باشد که مفسرین بعد از نازل شدن قرآن و آغاز فهم آن، بافت غیر زبانی را، عامل اساسی برای تعیین معنای کلمات و جملات، و شرطی از جمله شروطی که مفسر قرآن باید دارا باشد برشمردند. زیرا هدف اساسی در فهم متون دینی در حفظ و نگهداری از آن خلاصه می‌شود، و بدون شک تحقق چنین هدفی بدون آگاهی به تمامی آنچه که ممکن است در روند فهم دخیل باشد میسر نخواهد شد. زمخشری از جمله کسانی است که معنی را محدود به بافت ظاهری زبان «صرف، صوت، ترکیب، معجم، و ...» نکرد، و قسمت عمده‌ای از استدلال‌های معنایی خود را به بافت غیر زبانی اختصاص داد. بنابراین این مقاله، با اتخاذ روش وصفی و تحلیلی می‌کوشد با آوردن شواهد قرآنی از تفسیر کشف به تحلیل و تفسیر دیدگاه‌های بافت غیر زبانی زمخشری در سوره آل عمران که هر از چند گاهی آمیزه بافت زبانی می‌شود پردازد. و نتایج به دست آمده مؤید ادعای فوق‌الذکر است و شواهد استخراج شده به وضوح نشان می‌دهد که بافت غیر زبانی برای تحدید معنی به کمک بافت زبانی شتافته است.

کلیدواژه‌ها: زمخشری، بافت غیر زبانی، فهم متن، فقه اللغة، تفسیر ادبی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، msalehbk@gmail.com

** دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی

تأمل‌گرایی در رمان الشحاذِ نجیب محفوظ

نعیم عموری*

چکیده

تأمل‌گرایی در رمانهای فلسفی از مهمترین پژوهش‌های نگرش انسانی ادبیات متعهد می‌باشد، جستجوی حقیقت از مهمترین تحقیقات در نظریه‌های ادبیات فلسفی است. رمان فلسفی الشحاذ که مکمل بُعد فلسفی، روانی و عرفانی انسان است از جمله رمان‌های محفوظ که تک‌قهرمان است، این رمان تعبیری آشکار از کاوش حقیقت و ذات و خداوند - تبارک و تعالی - است، محفوظ از طریق قهرمان رمانش «عمر الحمزاوی» تلاش نمود تا سرگشتگی و حیرت بشر امروزی را در سراسر این جهان، بیان نماید، و اینکه انسان نیازمند کشف ذات خود است، پس در واقع انسان‌گدایی است که در کاوش و گدایی ذات و حقیقت خود است و بُعد الهی خویش را نیز جستجو می‌کند. این رمان دیدگاه‌های فلسفی و روانی و عرفانی را داراست، و انسان را واردار به کنکاش در ذات خود و جستجوی حقیقت می‌نماید، از جمله نتایج به دست آمده در این پژوهش این است که این رمان انسان را واردار به اندیشیدن در زندگی و مرگ خود می‌کند و او را به شک و شکایت از وضع موجود سوق می‌دهد و واقعیت تلخ را عیان می‌کند. این رمان ترکیبی از فلسفه و عرفان است و به گوشه‌گیری فرا می‌خواند اما گوشه‌گیری هدفمند که به جریان زندگی اندیشه بخشد هدف این پژوهش کنکاش در رمان الشحاذ از دیدگاه هستی‌شناختی است. و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: تأمل‌گرایی، رمان عربی، نجیب محفوظ، الشحاذ.

اقتباس و تضمین در ادبیات عربی خراسان در قرن‌های چهارم و پنجم هجری

جواد غلامعلی‌زاده*

چکیده

ادبیات عربی در ایران به طور کل و در خراسان به طور خاص در دو قرن چهارم و پنجم هجری شکوفا گردید؛ و بدین جهت خراسان یکی از جایگاه‌های مهم ادبیات عربی به شمار می‌آید. بنابراین شاعران زیادی از این خطه برخاستند که شعرشان جلوه گاه فرهنگ و ادبیات این سرزمین کهن قرار گرفت. شاعران و نویسندگان خراسانی توانستند آثار خود را مزین به فنون مختلف بلاغی بکنند. از جمله این فنون به اقتباس و تضمین است که به جرأت می‌توان این دو تکنیک را جزو ویژگی‌های شعری ادبیات عربی خراسان به شمار آورد. آشنایی با این دو تکنیک ادبی ما را از میزان اشراف ادبای خراسانی از فرهنگ گذشتگان خویش آگاه می‌سازد. شایسته است بدانیم علی‌رغم حضور گسترده این دو تکنیک در آثار ادبی ادبای خراسان هیچ‌گونه تحقیقی در این رابطه صورت نگرفته است. بنابراین مقاله حاضر در نظر دارد با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی انواع اقتباس و تضمین و ابعاد و اغراض مهم به کارگیری این دو تکنیک را در ادبیات عربی خراسان بررسی نماید. نتایج نشان از آن دارد که ادبای خراسان در این دو قرن از اقتباسات نصی و اشاره‌ای و همچنین از انواع تضمین‌های استعانه‌ای و ایداعی استفاده کرده‌اند. هدف از این بکارگیری، علاوه بر زیباسازی سخن؛ هجو مخاطب، اظهار میزان آگاهی از قرآن و اشعار قدما و همچنین استشهاد به آن‌ها بوده است.

کلیدواژه‌ها: شعر عربی، خراسان، اقتباس، تضمین.

تحلیل محتوایی و استنادی مقالات مجله آفاق الحضارة الإسلامية

از جلد ۱۳ تا شماره اول جلد ۱۹

عبدالاحد غیبی*

مسعود باوان پوری**، مریم دریانورد***

چکیده

امروزه مجلات نقش درخور توجهی را در انتقال اطلاعات علمی ایفا می‌کنند. مجلات علاوه بر این کاربرد، داده‌های جامعه علمی را در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای عرضه می‌کنند و تصویری از حیات علمی جامعه به شمار می‌روند. تجزیه و تحلیل محتوا و آمار روشی برای مطالعه عینی، نظام‌مند و کمی محتوای ظاهری پیام‌های ارتباطی و توصیف طیف وسیعی از متون است. مجله علمی - پژوهشی آفاق الحضارة الإسلامية، یکی از مجلات معتبر و مهم در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران به شمار می‌رود که در ۱۳ شماره منتشر شده، ۸۴ مقاله را از ۱۵۲ نویسنده با مدرک دانشگاهی معتبر و از ۳۹ دانشگاه و مؤسسه آموزشی به چاپ رسانده است. مقاله حاضر به بررسی آماری و تحلیلی تعداد نویسندگان مقالات، مدارک نویسندگان، میزان همکاری بین نویسندگان، مراکز و مؤسسات فعال در مجله و ... پرداخته است. در این میان نتایج زیر به دست آمده است: ۳۳ مقاله به صورت انفرادی و ۵۱ مقاله نیز به صورت مشترک نگاشته شده است که ۳۲ مقاله از مقالات مشترک به صورت هم‌دانشگاهی و ۱۹ مقاله به صورت غیر هم‌دانشگاهی تألیف شده است. قیس آل قیس، خلیل پروینی و نعیم عموری با ۴ مقاله پرتولیدترین نویسندگان بوده‌اند. نقد و تحلیل شعر بیشترین فراوانی مقالات را به خود اختصاص داده است. ۱۴ مقاله توسط اعضای هیأت تحریریه نگاشته شده که میانگین ۹/۳۸ درصد را شامل می‌شود که مقبول است. در مجموع ۲۳۵۳ منبع به کار رفته که میانگین مورد استفاده برای هر مقاله ۲۸/۱ منبع است که میانگین مقبولی است؛ هم‌چنین ۱۹۲۸ منبع یعنی ۸۱/۹۴ درصد آنها میانگین عمری بالای ۱۴ سال دارند.

کلیدواژه‌ها: آفاق الحضارة الإسلامية، سنجش علمی، تحلیل محتوا، آمار، بررسی نقدی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، (نویسنده مسئول)

Abdolahad@azaruniv.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان